قتل به خاطر قلدری

■ آرمین بینا

پسری جوان وقتی فهمید دوستش با چند نفر دعوا کرده‌است برای قلدری به محل رفت و در درگیری به قتل رسید. مأموران پس از حادثه، قاتل را دستگیر کردند، اما وی جرم خود را انکار می‌کند.

شامگاه پنج‌شنبه ۱۹ تیر، مأموران پلیس تهران به بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خبر دادند پسر جوان زخمی پس از انتقال به بیمارستان فوت کرده‌است.

با اعلام این خبر، بازپرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی بیمارستان شدند. تیم جنایی در بیمارستان با جسد پسر ۲۰ ساله‌ای به نام کیوان روبه‌رو شدند که با ضربه چاقویی به قتل رسیده‌بود.

بررسی‌ها نشان داد مقتول ساعتی قبل در یکی از خیابان‌های منطقه پیروزی در یک نزاع دسته‌جمعی زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شود. تیم پزشکی تلاش زیادی برای نجات جان او انجام می‌دهد، اما وی در نهایت ساعتی بعد بر اثر شدت خونریزی روی تخت بیمارستان فوت می‌کند.

همچنین مشخص شد قبل از این درگیری خونین، یکی از دوستان صمیمی وی به نام بهروز با عاملان قتل که بچه یک محل هستند، درگیر می‌شود و پس از این مقتول به هواخواهی دوستش به محل می‌رود و به قتل می‌رسد.

■ دوربین‌های مداربسته

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی تیمی از مأموران به دستور بازپرس ویژه قتل فیلم دوربین‌های مداربسته محل حادثه را برای شناسایی عاملان درگیری مورد بازبینی قرار دادند. یکی از دوربین‌ها لحظه حادثه را ثبت کرده‌بود که چند نفر با وی درگیر می‌شوند و یکی از آنها با چاقو ضرباتی به مقتول می‌زند و سپس همگی فرار می‌کنند.

از سوی دیگر شاهدان حادثه هم درگیری مقتول با چند مرد جوان را تأیید کردند و بدین ترتیب تحقیقات برای شناسایی متهمان آغاز شد و مأموران موفق شدند تعدادی از آنها را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کنند.

یکی از متهمان به درگیری اعتراف و قاتل را فردی به نام فرزاد معرفی کرد. وی گفت: «ما قبل از این درگیری با دوست صمیمی مقتول به نام بهروز درگیر شده‌بودیم. بهروز همیشه احساس قلدری می‌کرد و برای ما شاخ و شانه می‌کشید که با هم درگیر شدیم. بهروز دعوای ما را به کیوان گفته‌بود و وی هم وقتی با خبر شد، به محل آمد. کیوان شروع به عربده‌کشی کرد و می‌گفت من گنده‌لات محل هستم و کسی حق ندارد به او و دوست صمیمی‌اش اعتراض کند. او داد و فریاد می‌زد که من و تعدادی از دوستانم جمع و با او درگیر شدیم. در جریان درگیری فرزاد با چاقو ضربه‌ای به کیوان زد و وقتی او خونین نقش بر زمین شد، همگی فرار کردیم.»

با اعتراف یکی از متهمان، تحقیقات ادامه پیدا کرد، بررسی دوربین‌ها و گفته‌های شاهدان حادثه همگی حکایت از آن داشت عامل قتل فرزاد است، بنابراین فرزاد تحت تعقیب قرار گرفت و مأموران وی را بازداشت کردند. متهم در حالی که تمامی مدارک و شواهد نشان می‌دهد او با ضربه چاقو قتل را رقم زده‌است، جرم خود را انکار می‌کند. متهم ادعا کرد: «من در درگیری بودم، اما چاقو را متوجه نشدم که کدام یک از دوستانم به او زد.»

تحقیقات از متهمان برای برملا شدن زوایای پنهان این حادثه ادامه دارد.

قاتل کارمند فرودگاه امام به قصاص محکوم شد

■ جلال مهرگان

کارمند فرودگاه امام که از مهرماه سال قبل به اتهام قتل یکی از کارکنان فرودگاه در بازداشت به سر می‌برد، محاکمه و به قصاص محکوم شد.

ساعت ۹ صبح روز دوشنبه، ۳۰ مهرماه سال قبل به قاضی محسن اختیاری، بازپرس ویژه قتل تهران خبر رسید حادثه قتل در فرودگاه امام خمینی اتفاق افتاده است. پس از آن بود که بازپرس جنایی همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شدند. محل حادثه یکی از اداره‌های فرودگاه و جسد متعلق به مرد ۳۸ ساله به نام حمید بود که با شلیک گلوله به قفسه سینه‌اش جان باخته بود.

حمید، مدیر دفتر مدیرعامل قسمت انفورماتیک و پژوهش‌های علمی فرودگاه بود و عامل قتل هم با تهدید کارکنان موفق به فرار شده بود. بررسی‌های میدانی در این باره با تحقیق از کارکنان دنبال شد. تحقیقات نشان داد قاتل ۴۰ ساله بهزاد نام دارد و از مدتی قبل به خاطر کم بودن حقوقش با مدیرعامل اختلاف داشته است. یکی از شاهدان گفت: بهزاد یکی از کارکنان بود و به کم بودن حقوقش اعتراض داشت. او در این باره با مدیرعامل حرف زده بود، اما به نتیجه‌ای نرسیده بود. او لحظاتی قبل از حادثه وارد دفتر مدیرعامل شد و با حمید که مدیر دفتر بود، حرف زد و خواست اجازه دهد که با مدیرعامل حرف بزند. حمید گفت که مدیرعامل جلسه دارد، اما بهزاد اصرار به ملاقات داشت و بر سر این موضوع مشاجره‌شان بالا گرفت که بهزاد عصبانی شد و اسلحه کشید و گلوله‌ای شلیک کرد و به قیمت جان حمید تمام شد. یکی از اعضای خانواده حمید هم گفت: حمید از هشت سال قبل در فرودگاه استخدام رسمی شده بود و با هیچ کس هم اختلافی نداشت. او قرار بود تا چند روز آینده پدر شود، اما با شلیک گلوله جانش را از دست داد و فرزندش یتیم متولد می‌شود.

■ بازداشت و اعتراف به جرم

بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات پلیس برای بازداشت بهزاد به جریان افتاد. تحقیقات میدانی نشان داد متهم بعد از حادثه راهی خانه شده و لوازمش را جمع کرده و به محل نامعلومی گریخته است. با کامل شدن بررسی‌ها، مأموران پلیس موفق شدند مخفیگاه متهم را حوالی پرند شناسایی و او را بازداشت کنند.

بهزاد در اولین بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت از کاری که کرده، پشیمان است. وی توضیح داد: از ۱۶ سال قبل به صورت پیمانی در بخش انفورماتیک و پژوهش‌های فرودگاه مشغول کار شدم و به‌خاطر تخصصی که در رشته برق دارم در بخش فنی فعال بودم. وقتی مشغول کار شدم، ۳۰ نفر بودیم، اما هر سال به بهانه‌ای عده‌ای از ما را تعدیل کردند، به طوری که از آن گروه ۳۰ نفره فقط شش نفر باقی مانده بودیم. ما هم نگران از دست رفتن کارمان بودیم.

متهم ادامه داد: از دو سال قبل مدام به بهانه مشکل مالی حقوق ما با تأخیر پرداخت می‌شد و به جای اضافه شدن حقوق هر ساله از حقوقمان کم می‌شد و اعتراض‌هایمان هم فایده‌ای نداشت، به طوری که حقوقم از ۲۰ میلیون تومان به ۱۶ میلیون تومان رسیده بود.

■ شرح حادثه

متهم در شرح حادثه هم گفت: من درباره مشکلاتم با مدیرعامل حرف زده بودم، اما فایده‌ای نداشت. صبح روز حادثه اسلحه‌ای که از چند سال قبل تهیه کرده بودم، برداشتم و به دفترش رفتم تا با او حرف بزنم. با خودم گفتم اگر به حرفم توجه نکرد با اسلحه تهدیدش می‌کنم، اما مدیر دفترش به من اجازه نداد که با او حرف بزنم. چند نفر دیگر دخالت کردند و مانع شدند که کنترل رفتارم را از دست دام و دست به اسلحه بردم و حادثه اتفاق افتاد. با کامل شدن تحقیقات، متهم صحنه حادثه را بازسازی کرد و بازپرس بهزاد را به جرم قتل عمد مجرم شناخت و پس از صدور کیفرخواست پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد.

■ محاکمه

در جلسه رسیدگی به پرونده پس از اینکه قاضی رسمیت جلسه را اعلام کرد، نماینده دادستان در جایگاه حاضر شد و با قرائت کیفرخواست برای متهم درخواست صدور مجازات قانونی کرد. سپس اولیای دم هم گفتند که خواسته‌شان قصاص است. در ادامه متهم به درخواست قاضی در جایگاه حاضر شد و اتهامش را قبول کرد. او گفت: من قصد کشتن حمید را نداشتم و از کاری که کرده‌ام پشیمان هستم. من به خاطر پایین بودم حقوقم می‌خواستم با مدیرعامل حرف بزنم. قبلاً در این باره با او حرف زده بودم، اما فایده‌ای نداشت. صاحب همسر و دو دختر خردسال هستم و از او می‌خواستم حقوقم را زیاد کند، ولی قبول نمی‌کرد. متهم ادامه داد: مدتی قبل از حادثه از فضای مجازی اسلحه‌ای خریدم و در خانه نگه می‌داشتم. روز حادثه اسلحه را برداشتم و با خودم به اداره بردم. می‌خواستم مدیرعامل را تهدید کنم که بترسد و حقوقم را زیاد کند. وقتی به دفترش رفتم، مدیر دفتر اجازه نداد با مدیرعامل حرف بزنم و در جریان مشاجره‌ای که اتفاق افتاد، گلوله ناخواسته شلیک شد و به مدیر دفتر برخورد کرد.

هیئت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم وارد شور و متهم به قصاص محکوم شد. متهم همچنین به دلیل حمل اسلحه به صورت غیرقانونی به تحمل پنج سال زندان محکوم شد.

یادداشت

انتظار عمومی برای مقابله با مافیا

حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

گرانی با جرم و جمعیت کیفری رابطه‌ای مستقیم دارد. این روزها بخش مهمی از افزایش جمعیت کیفری ناشی از گرانی‌هایی است که جامعه را به تنگ می‌آورد و سبب می‌شود آسیب‌ها بیش از هر زمان دیگری گریبان جامعه را بگیرد. ریشه این گرانی‌ها هم ارتباط روشنی با رفتار صاحبان کسب ندارد، بلکه ریشه در رفتار افرادی دارد که در حوزه‌های تصمیم‌گیری دخالت دارند. این افراد کسانی هستند که مافیای کسب و کار را شامل می‌شوند و اشتهای سیری‌ناپذیرشان پایانی ندارد.

مافیای برنج، سوخت، خودرو، روغن پیاز، گوجه، قبر و هر چیزی که در مخیله آدم بگنجد در انحصار این گروه است. حقیقتاً مایه شرمساری کشوری با تمدن چند هزار ساله است که مدیرانش توان مدیریت کردن بازار کالاهایی مثل پیاز یا گوجه را نداشته‌باشند، به طوری که این موضوع بخواهد در جلسه سران قوا مطرح شود. در همه سال‌های سپری‌شده سازمان‌های عریض و طویل نظارتی از جمله مجلس شورای اسلامی، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان‌های نظارت و بازرسی کاری جز مشاهده وضع موجود ندارند و به جای برخورد با ریشه معضلات، گریبان چند محتکر خرده‌پا را می‌گیرند و بعد از آن معضلات با شدت بیشتری به تنظیمات کارخانه باز می‌گردد و آش و کاسه همان می‌شود که بود. این روزها و بعد از مقاومت‌های مردمی مقابل جنگ تحمیلی جهانی ۱۲ روزه علیه کشورمان بار دیگر شاهد پاره‌شدن لجام قیمت‌ها هستیم که فشار ناشی از آن متوجه بدنه اجتماعی شده که تمام قد مقابل چنان تمام هجمه‌ها ایستاد تا خدشه به اقتدار کشور وارد نشود. حقیقت این است که در این دوران پساجنگ هیچ ممانعتی در حوزه تولید رخ نداده‌است، با این حال جهش قیمت‌ها روان جامعه را به گروگان گرفته‌است. حقیقت دیگر اینکه آن همه سازمان عریض و طویل نظارتی که به آن اشاره شد، بهتر است یک‌بار برای همیشه جای دور باطل، مقابل عامل اصلی گرانی‌ها قدعلم کند. مقابل مافیایی که چند دهه است خون ملت را در شیشه می‌کند و هر چه سر می‌کشد، سیراب نمی‌شود. مافیایی که جایش در همان حوزه تصمیم‌گیری است و برای رسیدن به منافع چند نفر، کشاورز و تولیدکننده را خاکسترنشین می‌کند. در مواجهه با موج‌های گرانی گوش مردم از شنیدن حرف‌های بی‌ثمر دولت، مجلس و عدلیه پر است و تجربه نشان می‌دهد حرف‌ها و فرمان‌های صادر شده وقعی به موج‌ها ندارند. این روزها جمعیت‌های کیفری ناشی از پیامدهای گرانی‌هایی که به جامعه تحمیل می‌شود با تراکم بیشتری مواجه است. کانون‌های خانواده تاب‌آوری خود را مقابل این معضلات از دست داده‌است، آمار طلاق طغیان کرده و از دل هر آسیب، آسیب تازه‌ای متولد می‌شود و این معضل همچنان تقویت می‌شود، اگر قانون بخواهد همچنان خادم مافیا باقی بماند. مردم حقیقتاً از وضع موجود خسته و آزرده‌اند و آزردگی اجتماعی از اینکه کمترین اثر قانونی برای برخورد با وضع موجود وجود ندارد، بیشتر هم می‌شود و از دل این آزردگی دیانت و اعتماد عمومی هم به باد می‌رود.

قاتلی که ۱۷ سال زندانی بود پس از آزادی فوت کرد

■ غلامرضا مسکنی

قاتل مرد همسایه که پس از ۱۷ سال با رضایت دو پسر مقتول از زندان آزاد شده‌بود، پس از یک ماه بر اثر بیماری سرطان فوت کرد.

اوایل اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۶ به مأموران پلیس یکی از شهرهای استان کهگیلویه و بویراحمد تلفنی خبر رسید دو مرد جوان درگیری خونینی را رقم زده‌اند.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران به محل حادثه در ساختمان مسکونی چند طبقه‌ای راهی شدند و دریافتند لحظاتی قبل دو نفر از همسایه‌ها با هم درگیر شده و در جریان آن یکی از آنها با ضربه چاقوی طرف مقابل به شدت زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌است.

■ قتل به خاطر بازی کودکان

مأموران در ادامه به بیمارستان رفتند و متوجه شدند مرد زخمی به نام سعید به‌رغم تلاش پزشکان بر اثر شدت خونریزی فوت کرده‌است. بررسی‌ها نشان داد قاتل همسایه مقتول است و قنبر نام دارد و آنها از قبل چندباری با هم درگیری داشته‌اند تا اینکه روز حادثه قاتل وقتی با سر و صدای فرزندان مقتول روبه‌رو می‌شود، درگیری خونینی را رقم می‌زند. گفته‌های همسایه‌ها و شاهدان حکایت از آن داشت لحظه حادثه فرزندان مقتول داخل خانه‌شان بازی و سر و صدا می‌کردند که قاتل عصبانی می‌شود و به در خانه آنها می‌رود و دست به چاقو می‌شود.

■ خشمگین شدم

بدین ترتیب قنبر به اتهام قتل تحت تعقیب قرار گرفت، اما مأموران ردی از او پیدا نکردند و مشخص شد وی به شهر دیگری گریخته‌است. تحقیقات ادامه داشت و رد قاتل پس از یک ماه در یکی از شهرهای جنوبی کشور زده شد و کارآگاهان مبارزه با قتل پلیس آگاهی متهم را در مخفیگاهش دستگیر و به اداره پلیس منتقل کردند.

قاتل در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به قتل اعتراف کرد و گفت روز حادثه خشمگین شده و نتوانسته است خشمش را کنترل کند و با چاقو به مرد همسایه حمله کرده‌است.

وی در توضیح ماجرا گفت: «سعید همسایه خوب ما بود و من با او مشکلی نداشتم، اما از مدتی قبل به خاطر شلوغ بازی‌های دو فرزند خردسالش با او اختلاف پیدا کردم. من همراه خانواده‌ام در طبقه اول زندگی می‌کردم و سعید همراه دو فرزند و همسرش در طبقه دوم زندگی می‌کرد. فرزندشان همیشه سر و صدا می‌کردند و داخل خانه‌شان مدام می‌دویدند، به طوری که آرامش و آسایش ما را سلب کرده‌بودند. ما انتظار داشتیم سعید و همسرش بچه‌هایشان را کنترل کنند و نگذارند آرامش ساختمان را به‌هم بزنند، اما آنها اصلاً توجهی نمی‌کردند. هر چقدر هم اعتراض می‌کردیم، فایده‌ای نداشت و نه‌تنها سر و صدای آنها کم نمی‌شد که گاهی اوقات صدای بلند تلویزیون‌شان هم به آن اضافه می‌شد.»

■ پشیمانم

قاتل ادامه داد: «روز حادثه من خسته از محل کار به خانه آمده‌بودم و از طرفی هم به خاطر موضوعی عصبانی بودم و تصمیم گرفتم کمی استراحت کنم و بعد برای انجام کاری از خانه بیرون بروم. خواب بودم که با سر و صدا و دویدن فرزندان مقتول از خواب پریدم. از سوی دیگر صدای تلویزیون آنها خیلی زیاد بود به طوری که صدایش در سرم سوت می‌کشید. خیلی عصبانی شدم و چاقویی برداشتم و به در خانه‌شان رفتم. می‌خواستم آنها را تهدید کنم و بترسانم، اما وقتی با هم درگیر شدیم، چاقو به او برخورد کرد و روی زمین افتاد. از ترس فرار کردم و هنگامی که با خبر شدم همسایه‌مان فوت کرده به یکی از شهرهای جنوبی کشور رفتم و خانه دوستم مخفی شدم. پس از این حادثه من هر شب کابوس می‌بینم و الان خیلی پشیمان هستم، چون دو فرزند خردسال را یتیم کردم.»

■ حکم قصاص

متهم پس از اعتراف و بازسازی صحنه قتل راهی زندان شد تا اینکه مدتی بعد با تکمیل شدن پرونده‌اش در دادگاه کیفری استان محاکمه شد. متهم در دادگاه اظهار پشیمانی و از اولیای‌دم درخواست بخشش کرد، اما پدر و مادر مقتول برای قاتل درخواست قصاص دادند. قضات دادگاه هم پس از بررسی پرونده و شنیدن اظهارات متهم، وی را مجرم به قتل عمد شناختند و به قصاص محکوم کردند. رأی دادگاه پس از اعتراض متهم در دیوان عالی کشور تأیید و برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام استان فرستاده شد.

■ جلسه صلح و سازش

متهم در یک قدمی چوبه‌دار قرار گرفت و تیم صلح و سازش هم تلاش‌های خود را برای جلب رضایت اولیای دم آغاز کردند، اما پدر و مادر مقتول حاضر به بخشش قاتل فرزندشان نشدند تا اینکه هر دوی آنها پس از مدتی فوت کردند.

متهم همچنان در زندان بلاتکلیف بود تا اینکه زمستان سال قبل قاضی اجرای احکام دو فرزند مقتول را به دادسرا احضار کرد تا وضعیت قاتل پدرشان را تعیین تکلیف کنند. بدین ترتیب با حضور اولیای‌دم جلسات صلح و سازش بار دیگر سر گرفته شد.

■ شرط بخشش

در یکی از جلسات صلح و سازش که با حضور تعدادی از خیرین و ریش سفیدان برگزار شده‌بود، دو پسر مقتول با گذاشتن دو شرط اعلام کردند قاتل را می‌بخشند. یکی از شرط‌های آنها این بود که قاتل برای تعدادی از خانواده‌های بی‌بضاعت همان منطقه بخاری و برای کودکان آنها لباس گرم تهیه کند. شرط دوم هم این بود که قاتل پس از آزادی از زندان همراه خانواده‌اش برای زندگی به شهر دیگری نقل مکان کنند. قاتل و خانواده‌اش شرط دو پسر مقتول را پذیرفتند و مدتی بعد از زندان آزاد شد.

■ مرگ پس از آزادی

قاتل پس از آزادی از زندان به آغوش خانواده‌اش بازگشت، اما این آزادی خیلی دوام نیاورد. او که به گفته بستگانش هنوز عذاب وجدان رهایش نکرده‌بود، پس از یک ماه از آزادی‌اش متوجه شد به بیماری سرطان لاعلاجی مبتلا شده‌است و یک ماه بعد هم بر اثر همان بیماری فوت کرد.

شرور مسلح مجازی بازداشت شد

شرور مسلح که با پرسه در فضای مجازی شهروندان را تهدید می‌کرد، به دام پلیس تهران افتاد.

به گزارش «جوان»، چند روز پیش مردی به مأموران پلیس اطلاعات و امنیت تهران خبر داد فرد شروری با اسلحه و قمه او را در فضای مجازی تهدید کرده و قصد اخاذی دارد. با اطلاعاتی که شاکی در اختیار پلیس گذاشت، بررسی‌ها در این باره انجام و مشخص شد متهم با پرسه در فضای مجازی، شهروندان را با اسلحه یا قمه تهدید و از آنها اخاذی می‌کند. با کامل شدن تحقیقات، مأموران موفق شدند مخفیگاه متهم را شناسایی کنند و در بازرسی از محل، دو قبضه اسلحه گرم و ۳۹۰ فشنگ کشف کردند. متهم در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کرد. تحقیقات بیشتر از وی جریان دارد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرج – ناحیه یک
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۰۹۰۰۰۸۷۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای شاهرخ فرشید مستعلی بیگلو فرزند عبدالرحیم به شماره شناسنامه ۱۱۳۸۹ به صورت شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰۷/۵۳ متر مربع مفروز از پلاک ۱۶۹۰ فرعی از ۱۵۲ اصلی واقع در حیدرآباد خریداری از مالک رسمی آقای ابراهیم دقتی و آقای شکراله پورحاتمی و آقای قدرت اله لطیفی نسب به طور قولنامه ای که مالکیت نامبرده در صفحه ۳۰۹ دفتر ۶۵۲ و صفحات ۲۰۹ و ۲۰۱ و ۲۰۵ دفتر ۹۹۴ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند، از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم، اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۹
مهران رشیدی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج
شناسه آگهی: ۱۹۶۲۴۵۳

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرج – ناحیه دو
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۵۷۰۰۱۵۲۱ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج – ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم محمود علی هاشملو فرزند کمند علی به شماره شناسنامه ۲۵ صادره از آوج در یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۸۹/۹۱ متر مربع از پلاک ۵۸۲ فرعی از ۳۶۱ اصلی واقع در کرج محمد شهر ولدآباد بزرگ خیابان ۲۲ بهمن خیابان شهید اهویی پلاک ۱۸ خریداری از مالک رسمی آقای / خانم علی اصغر بیجانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۹
عباس صبوری – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج
شناسه آگهی: ۱۹۶۲۴۷۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴
آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده نوبت سوم
شرکت تعاونی تولیدی توزیعی مصباح پیام نور
ثبت شده بشماره ۱۴۲۲۰۸ و شناسه ملی : ۱۰۱۰۱۸۵۱۹۸۸
مجمع عمومی فوق العاده نوبت سوم شرکت تعاونی تولیدی توزیعی مصباح پیام نور

در ساعت ۸:۳۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۶ در محل ،تهران بزرگراه بسیج، بلوار هجرت، سالن اجتماعات شهید شوشتری به صورت حضوری برگزار میشود. از کلیه اعضاء دعوت می شود شخصاً یا وکالتاً جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور به هم رسانند.
ضمناً به اطلاع میرساند که به موجب ماده ۱۹ آئین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی در مجامع عمومی یک مرحله ای ، به جز مجامع عمومی الکترونیکی هر یک از اعضای تعاونی میتواند نماینده تام الاختیاری(از میان اعضاء تعاونی یا خارج از آنان) برای حضور در مجمع و اعمال رای تعیین نماید که می بایست به همراه نماینده خود حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ در ساعات اداری در محل تعاونی حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت توسط نماینده هیئت مدیره و بازرس برگه ورود به مجمع را دریافت دارند؛ ضمنا تعداد آراء وکالتی هر عضو و هر شخص غیر عضو تنها یک رای خواهد بود.
دستور جلسه:
تغییر آدرس شرکت (ماده ۶ اساسنامه)
هیئت مدیره شرکت تعاونی تولیدی توزیعی مصباح پیام نور

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴
آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت دوم
شرکت تعاونی تولیدی توزیعی مصباح پیام نور
شماره ۱۴۲۲۰۸ و شناسه ملی : ۱۰۱۰۱۸۵۱۹۸۸

جلسه مجمع عمومی عادی نوبت دوم شرکت تعاونی تولیدی توزیعی مصباح پیام نور راس ساعت ۱۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۶ در محل ،تهران بزرگراه بسیج بلوار هجرت سالن اجتماعات شهید شوشتری به صورت حضوری تشکیل میگردد.
لذا از کلیه اعضاء دعوت میشود با در دست داشتن کارت و یا دفترچه عضویت راس ساعت مقرر در محل مذکور حضور به هم رسانید و یا وکیل/ نماینده خود را کتباً معرفی نمایید.
ضمناً به اطلاع میرساند که به موجب ماده ۱۹ آئین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی در مجامع یک مرحله ای ، به جز مجامع عمومی الکترونیکی هر یک از اعضای تعاونی می تواند نماینده تام الاختیاری (از میان اعضاء تعاونی یا خارج از آنان) برای حضور در مجمع و اعمال رای تعیین نماید که می بایست به همراه نماینده خود حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ در ساعات اداری در محل تعاونی حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت توسط نماینده هیئت مدیره و بازرس برگه ورود به مجمع را دریافت دارند؛ ضمنا تعداد آراء وکالتی هر عضو و هر شخص غیر عضو تنها یک رای خواهد بود.
دلوطلبان تصدی سمتهای بازرسی موظفند حداکثر ظرف پنج روز پس از انتشار آگهی دعوت ، فرم داوطلبی را به همراه مدارک مربوطه (کپی شناسنامه ، کپی کارت ملی ،کپی کارت پایان خدمت ، اصل عدم سوء پیشینه) را تکمیل و در ساعات اداری تحویل دفتر تعاونی نمایند.
دستور جلسه :
۱ - ارائه گزارش هیئت مدیره و بازرس
۲- انتخاب بازرس اصلی و علی البدل برای سال مالی ۱۴۰۴ و نحوه تقسیم سود
۳- طرح و تصویب صورتهای مالی منتهی به سال ۱۴۰۳
۴- طرح و تصویب برنامه و بودجه سال ۱۴۰۴
۵- طرح و تصویب افزایش سرمایه
۶- تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های قانونی شرکت
هیئت مدیره شرکت تعاونی تولیدی توزیعی مصباح پیام نور